

# علم أصول الفقه

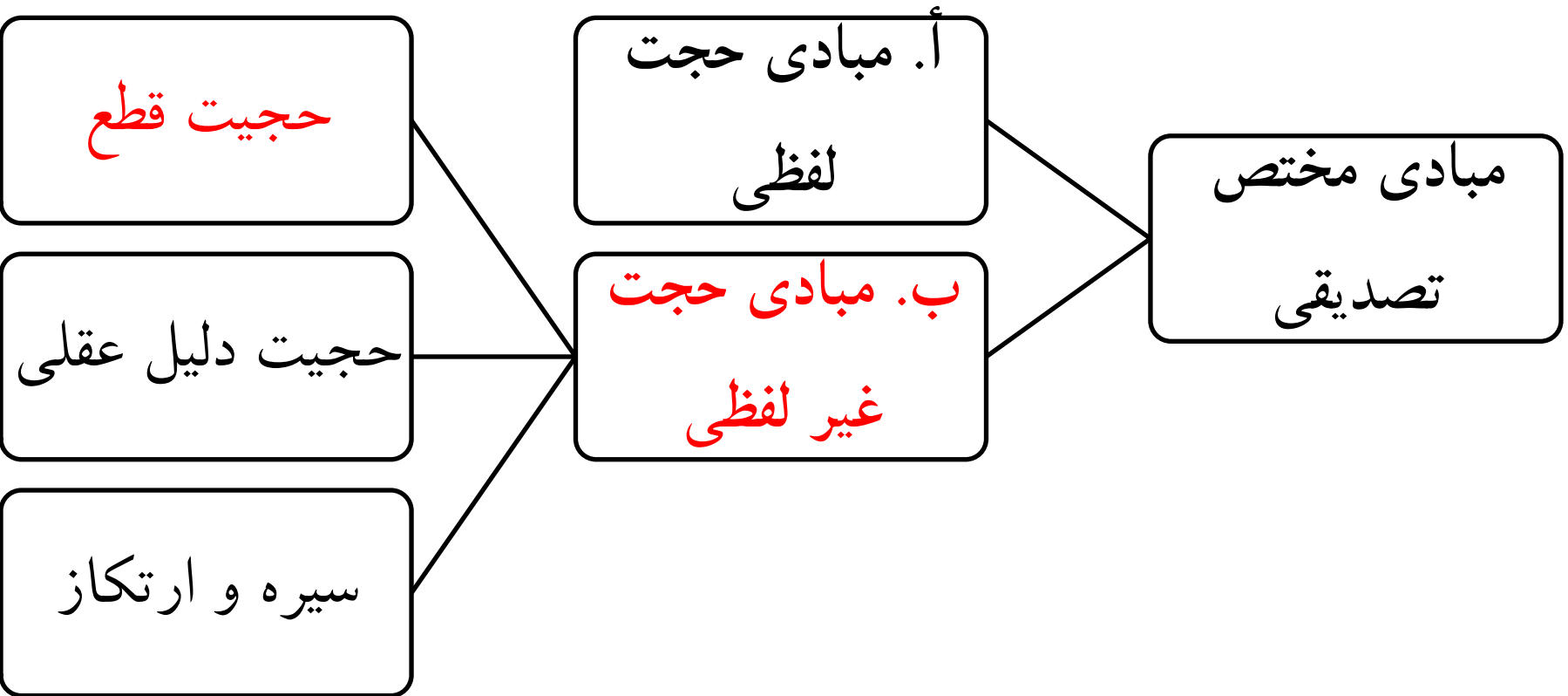
۳۰-۱۱-۹۱ مبادئ مختص تصديقي ۵۰

دراسات الاستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

أ. مبادئ حجت لفظي

ب. مبادئ حجت غير لفظي

مبادئ مختص تصديقي



## دلیل بر معذرت و منجزیت قطع

- شهید صدر معتقد است طرح بحث حجیت یقین از طریق بحث ظلم و عدل طرح درستی نیست. در نظر وی اگر این طریق صرفاً در حد تنبیه و تذکر باشد تا انسان توجه کند که عمل بر خلاف یقین، ظلم و عمل بر طبق آن، عدل است، اشکالی ندارد؛ ولی اگر این طریق، استدلال به معنای منطقی کلمه باشد به گونه‌ای که عبارت «عمل به یقین از مصادیق عدل است» صغرای قیاس و «عدل واجب است» کبرای قیاس قرار گیرد، حلقه‌ی مفقوده در آن وجود دارد.

## دلیل بر معذرت و منجزیت قطع

- زیرا وقتی از عدل و ظلم صحبت می‌کنیم، باید در رتبه‌ی سابق حقی را ثابت کرده باشیم تا رعایت آن، عدل و تزییعیعش، ظلم باشد. با پذیرش آن حق، معذرت و منجزیت در همان مرتبه تحقق می‌یابد و نیاز به بحث وجوب عدل و حرمت ظلم از میان می‌رود.

## دلیل بر معذرت و منجزیت قطع

- برای توضیح مطلب، مثال ساده‌ای می‌زنیم: آیا اگر کسی را بزنیم، به او ظلم کرده‌ایم؟ در جواب این سؤال باید در مورد حق زدن بحث نماییم. در صورتی که حق زدن داشته باشیم، به او ظلم نکرده‌ایم و در صورتی که حق زدن نداشته باشیم، در حق او ظلم نموده‌ایم. پس برای قضاوت در مورد ظلم به این شخص نیازمند بررسی حقی هستیم که در رتبه‌ی سابق وجود دارد.

## دلیل بر معذرت و منجزیت قطع

- حال در بحث قطع اگر عمل به یقین از مصادیق عدل و عمل بر خلاف آن از مصادیق ظلم باشد، معنایش این است که حق مولی است که به تکلیف او عمل کنیم. اگر مولی هیچ حقی نداشته باشد، مخالفت با تکلیف ظلم نیست؛ زیرا حقی تضییع نشده است. تضییع حق در آنجا است که مولویت مولی، حق او و طاعت و بندگی اش را بپذیریم؛ ولی بر طبق آن عمل نکنیم.

## دلیل بر معذرت و منجزیت قطع

- شهید صدر می‌فرماید: پذیرش مولویت مولی همان معنای معذرت و منجزیت است.
- وقتی بدانیم با یقین به تکلیف، حق طاعت مولی ثابت است، معنایش این است که عمل به آن منجز تکلیف و در صورت عدم مطابقت با واقع، معذر خواهد بود.
- اینجا است که برای اثبات حجیت یقین نیازی به تمسک به قاعده‌ی وجوب عدل و حرمت ظلم نداریم.



## دلیل بر معذرت و منجزیت قطع

- به عبارت دیگر در تمسک به قاعده‌ی وجوب عدل و حرمت ظلم باید در رتبه‌ی سابق حق طاعت مولی را در موارد یقین به تکلیف اثبات کنیم.
- اما در همان مرتبه که مولویت مولی ثابت می‌شود، حجیت یقین (به معنای معذرت و منجزیت) ثابت می‌گردد و دیگر نیازی به قاعده‌ی مذکور نیست.

## دلیل بر معذرت و منجزیت قطع

- نهایت چیزی که در استدلال مذکور ذکر شده، لزوم رعایت حق مولی است که از مصادیق عدل می باشد و عدم رعایت آن از مصادیق ظلم است.
- حال آن که لزوم رعایت حق مولی و لزوم عمل بر طبق تکلیف عبارت اخرای منجزیت است.

## دلیل بر معذرت و منجزیت قطع

- اگر لازم است بر طبق تکلیف عمل کنیم، آن تکلیف منجز است و اگر لازم نیست، تکلیف نیز منجز نیست. بنابراین منجزیت و لزوم عمل با هم تفاوتی ندارند و دو چیز نیستند تا کسی بگوید: ابتدا منجزیت را ثابت می‌کنیم و بعد از اثبات منجزیت، از طریق وجوب عمل به عدل، وجوب عمل به چیزی را که منجز شده، اثبات می‌نماییم.

## دلیل بر معذرت و منجزیت قطع

- در نهایت شهید صدر حجیت یقین را همچون مرحوم آخوند غیر قابل استدلال می‌داند و معتقد است حجیت قطع به دو نکته بر می‌گردد:

- ۱. مولویت مولی را بپذیریم و حق الطاعة او را احراز نماییم.
- ۲. به تکلیف مولی یقین پیدا کنیم. این یقین حجت به معنای منطقی دارد که وقتی به مولویت مولی ضمیمه شود، نتیجه‌اش منجز شدن تکلیف و حجیت به معنای اصولی است.

## دلیل بر معذرت و منجزیت قطع

- با این وصف در بحث یقین، اثبات مولویت مولی - تکلیف کننده - اهمیت دارد. با اثبات آن، تنجز - یعنی حجیت اصولی - قهراً ثابت است.

- ولی حق این است که بدون وجوب عدل و حرمت ظلم نمی توان منجزیت و معذرت قطع را ثابت کرد؛ زیرا اگر فرض کنیم که عدل واجب نیست و یا ظلم حرام نیست، وجهی برای لزوم عمل به تکلیف مولایی که حق مولویت او را احراز کرده ایم و به تکلیفش یقین داریم، باقی نمی ماند.

## مولویت خداوند

- شهید صدر می فرماید: مولویت و ریاست بر سه نوع است:
- ۱. مولویتی که ذات مولی و رئیس، اقتضای آن را دارد و نیازمند جعل مولویت نیست. چنین مولویتی مخصوص خداوند تبارک و تعالی است و آن را مولویت ذاتی می نامیم.
- ۲. مولویتی که از سوی مولای صاحب مولویت ذاتی، جعل و اعتبار می شود، مثل مولویت رسول اکرم صلی الله علیه و آله که معتبر، خداوند تبارک و تعالی است.
- ۳. مولویت و ریاست های عقلایی که عقلا برای شخص اعتبار می کنند و او را به عنوان رئیس در مجموعه های کوچک یا بزرگ قرار می دهند.

## دلیل بر معذرت و منجزیت قطع

- مولویت نوع دوم و نوع سوم در اعتباری بودن مشترکند و فرق آنها در ناحیهی اعتبار کننده است. در نوع دوم اعتبار کننده مولویت ذاتی دارد؛ در حالی که در نوع سوم چنین نیست. با این وصف مولویت به دو دسته‌ی اساسی اعتباری و غیر اعتباری تقسیم می‌شود. مولویت خداوند، غیر اعتباری و مولویت پیامبران و موالی متعارف، اعتباری است.



## دلیل بر معذرت و منجزیت قطع

- مقصود شهید صدر از مولویت ذاتی - غیر اعتباری - این است که مولویت یک حقیقتی عینی و واقعی است و ما صرفاً آن را درک می‌کنیم بدون آن که اعتبار یا جعل کسی در پیدایش آن دخالت داشته باشد.
- این صفت همچون دیگر صفات خداوند ذاتی است و عینیت دارد. یعنی همان گونه که علم و قدرت یک واقعیت عینی هستند، مولویت نیز یک واقعیت عینی است و نهایت کاری که عقل انجام می‌دهد، کشف این واقعیت است.